



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۰/۰۶

م. س. فضلی

از هویت ستیزی تا بحران سازی رساله علمی تحقیقاتی قسمت دهم

یک مثال روشنی دیگر ازین قبیل توطیه در کتاب «ناشناس ناشناس نیست» در مصاحبه صبورسیاسنگ که با داکتر صادق فطرت «ناشناس» صورت گرفته بود. در ضمن، بحث روی کتاب «پته خزان» نیز بعمل آمده بود. ظاهراً چنین وانمود شد که این پرسش‌ها از سوی علاقه مندان هنر ناشناس مطرح شده‌اند، ولی باعث عکس العمل شدید میان پشتون‌ها شد؛ زیرا این پرسش‌ها از هنرمندی سالخورده ای که نزدیک به نود سال سن دارد و به گفته خودش در یک مصاحبه با ذکریا نایی در تلویزیون هستی به تاریخ ۵ اپریل ۲۰۱۹، کتاب «پته خزان» را خوانده بود، غیر ضروری مغرضانه به نظر میرسد. ناشناس اعتراف کرد که نباید چنین تبصره‌ای می‌کرد که از آن تعبیرهای سیاسی صورت گرفت. وی گفت: «فقط گفتم که متن شعر پته خزان شبیه اشعار زبان معاصر پشتو است.» در حالیکه در همان مصاحبه، استاد شهسوار سنگروال نشان و واضح نموده گفت، واژه‌هایی در متن کتاب «پته خزان» وجود دارد که امروز دیگر کسی از آن‌ها خبری ندارند و نمی‌فهمند، زیرا در زبان معاصر پشتو کاربرد ندارند. ناشناس در پاسخ به اینکه آیا این پرسش در مورد پته خزان مغرضانه یا سیاسی بود، گفت: «نه، مغرضانه نبود، اما به شکلی رنگ سیاسی را بخود گرفت.» (XIV) در اینجا سوالی به ذهن می‌رسد: در شرایطی که کشور ما چهل سال جنگ، میلیون‌ها انسان فقیر، مهاجرت‌های وسیع و ده‌ها مشکل دیگر دارد، آیا واقعاً ضرور بود در میان صد و پنجاه پرسش، پرسشی درباره پته خزان گنجانیده شود و بعداً آنرا باد دهد؟ مطمئناً مغرضانه بود.

در سال‌های اخیر، کمپاین‌هایی به هدف هویت سازی قومی و زبانی در برابر نظام گذشته، که بیشتر بر محوریت زبان پشتو و نام افغان استوار بود، به وجود آمد. مثلاً کمپاین «من افغان نیستم» یا «افغان نام قومی است، نه ملی» و یا «خراسان بزرگ» و... همه و همه در تضاد با هویت سیاسی و ملی کشور طرح ریزی شده‌اند. یکی از عوامل تقویت این ذهنیت، رسانه‌های کشورهای همسایه مانند ایران است، که از این تفکر در راستای منافع خود استفاده می‌کند و همچنان احساسات اقوام غیرپشتون را تحریک می‌نماید.

همچنان، متأسفانه شایان ذکر است که بحث و اجرای پروژه توزیع تذکره‌های الکترونیکی در دوران حکومت حامد کرزی و در حدود سال‌های ۲۰۱۰ با همکاری فنی کشور مالزی آغاز گردید؛ اما به دلیل فساد و ناکارآمدی برخی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

مسئولین و همچنین دخالت‌های جنجالی و فشارهای ناشی از حلقه‌های مافیایی، به ویژه تحت رهبری پدرام و در خفا با حمایت برخی اعضای دولت اشرف غنی از جمله داکتر عبدالله، این پروژه برای چند سال دچار چالش شد. این کشمکش‌ها و تنش‌ها سبب شد که توزیع تذکرة‌های الکترونیکی تا سال ۲۰۱۸ عملاً به تعویق بیفتد، هرچند که خود داکتر عبدالله آغاز رسمی پروژه را در سال ۲۰۱۵ امضا کرده بود. جریان‌های مرتبط با این پروژه گرچه در حیطه این رساله نمی‌گنجد، اما به عنوان نمونه‌ای آشکار از هویت سنتیزی برخی گروه‌ها شایان ذکر است. در کنار نکات فنی و جزئی، باید تأکید کرد که مسئله کلیدی در تعویق انداختن توزیع تذکرة‌های برقی، حفظ و گنجاندن کلمه «افغان» در آن بود. (XV)

در پایان، یکی دیگر از نمونه‌ها، روش برگزاری و تجلیل هجدهم سنبله در طول سال‌های جمهوری است، که هواداران مسعود این روز را به ویژه در کابل، به گونه‌ای بسیار خشونت‌آمیز و حتی می‌توان گفت غیرانسانی برگزار می‌کردند. در این مراسم‌ها، خودروها مملو از جوانان مسلح بود که با اجرای آتش‌های هوایی در خیابان‌ها و کوچه‌های کابل، حضور خود را به نمایش می‌گذاشتند؛ اقدامی که برای مردم عادی ترس‌آور بود و متأسفانه بسیاری از هموطنان بی‌گناه در اثر این آتش‌بازی‌ها جان‌های شیرین خود را از دست دادند.

گرچه آمار دقیقی از قربانیان در دست نیست، اما ویدیوهای متعددی از این نوع تجلیل‌ها در شبکه YouTube موجود است که شدت خشونت و مخاطرات آن را نشان میدهد.

طرح خراسان نه تنها یک توطئه برای تغییر نام افغانستان است، بلکه به هدف بازگرداندن نفوذ فرهنگی ایران در منطقه و ایجاد یک جغرافیای فرهنگی مشترک میان فارسی‌زبانان آسیای میانه و ایران است. این طرح در ظاهر بشکل بسیار فرهنگی و افتخار آمیز مطرح می‌شود، ولی در اصل برنامه‌ای استعماری است که در کنار هویت زدایی پشتون‌ها، نوعی تفوق طلبی قومی و زبانی را تبلیغ می‌کند.

پشتون‌ها در طول تاریخ نه تنها علیه فرهنگ دری/فارسی اقدام نکرده‌اند، بلکه آن را در نظام آموزشی، اداری و دینی خود گنجانده‌اند. اما با کمال تأسف، چنین رویکرد متقابلی از سوی بخش بزرگی از دری‌زبانان کشورنادیده گرفته شده. اکنون که پشتون‌ها بیدار شده‌اند و خواستار توازن زبانی، هویتی و فرهنگی در کشور هستند، این خواست مشروع را به چشم تعصب و قوم گرایی می‌نگرند.

مردم اروپا این واقعیت را صد سال پیش درک کردند و نظامی بنیاد نهادند که در آن همه محترم شمرده و پذیرفته شدند. ما باید افکار بدبینانه را نقد و طرد کنیم، نه اقوام را. ما باید خود و مردم خود را از تنفر، انزجار و تعصب نجات دهیم؛ چیزی که حریفان در کمین آن است تا ما را در آن غرق و سلطه خویش را تضمین کنند. عین چنین حالت را امروز در ایران می‌بینیم، بسیاری از ایرانیان از بمباران اسرائیل خوشحال هستند و این نمونه‌ای تأسف‌آور است که کشور را به دو ملت تقسیم کرده‌اند. علاوه بر این طبق آمار سازمان CIA، نفوس مسلمانان جهان دو میلیارد و یهودیان پانزده میلیون نفر هستند، یعنی در مقابل هر یهودی، ۱۲۷ مسلمان وجود دارد؛ اما در عمل چه می‌بینیم؟ این خود نتیجه تفرقه و جهالت میان مسلمانان است. (XVI)

تغییر نام کشور یک خواب فریبنده؛ یک ایدئولوژی تحریک آمیز است که توسط استخبارات قدرت‌های جهان و منطقه طراحی شده است و جز فلاکت و جنگ داخلی، پیامد دیگری برای مردم ندارد. از این رو، لطفاً فریب دام‌های نهان

دشمنان را نخوريد تا از جنگ‌های داخلی و بدبختی‌های ناشی از آن در امان بمانيم. يکديگر را بپذيريم و اجنبیان را در خانه جای ندهيم. ما نمی توانيم يکديگر را انکار يا نفی کنیم؛ همه ما يک پيکر هستيم. در اين مقطع تاريخی، اجازه ندهيم تجربه تلخ جنگ‌های دهه هفتاد تکرار شود که در آن، همه بدون استثناء بدبخت شدند؛ در غير آن صورت، تاريخ ما را نخواهد بخشيد.

در وضعیت کنونی، هيچ يک از اقوام کشور اعم از پشتون، تاجک، هزاره، ازبک و نه ديگران مقصر هستند. البته، عدم آگاهی و جهالت نه تنها در میان پشتون‌ها، بلکه در هر ملیت، در هر گوشه دنيا، باعث فقر، بدبختی و جنگ‌ها شده؛ با تفاوت‌های نسبی. منافع کشور های قدرتمند در اين است که ما با يکديگر درگیر باشيم. از اين رو، اين يک خواب محال است که در دشمنی با يک قوم در کشور خود، خوشبخت شويم. برعکس، اين ما را به دامن بيگانگان می‌افکند. در تاريخ نمونه‌های فراوانی از اين وضعیت داريم.

در نتیجه، بايد گفت که مبارزين حقیقی کسانی‌اند که نه تنها اقوام مختلف يک کشور، بلکه منطقه و جهان را در اندیشه خود جای دهند و در پی خوشبختی و آسایش همه باشند. تمام جوامع بشری، در درجات مختلف، با عقب ماندگی، خرافات و جهالت روبه رو هستند. مبارزين بايد نواقص جوامع خود را بشناسند و مردم خود را نجات دهند، نه اينکه يکی را برتر از ديگری بدانند و تخم نفاق بين شان بکارند. در پايان بايد گفت که اختلاف فرهنگی بايد به رشد فرهنگ عمومی و پذيرش متقابل منجر گردد، نه به خصومت و دشمنی. اين تفاوت‌ها را روشنفکران بايد به عنوان رسالت تاريخی خود درک و بپذيرند و برای تحقق آن تلاش کنند، تا جمعيت چند ميليونی اين سرزمين، به هر نامی که باشد، زندگی خوشی داشته باشند. وظیفه ما اثبات برتری بر يکدیگر نيست، بلکه برادری و احترام متقابل است.

بقیه دارد

ششم : تحلیلی از زیست انسان بر کره زمین از نظر عرفان - روحانیت ...